

نبرد دلیران

بزرگترین مسابقه فوتبال سال ۱۳۲۱ بین تیم مختلط ارتش انگلیس (که از نیروهای زمینی هوایی و دسته راه آهن و چند نفر از بهترین بازیکنان انگلیسی) و تیم ملی تهران (برگزیده از دسته های الف و ب قهرمانی و بزرگترین بازیکنان ایرانی) در جشن سالیانه المپ روز جمعه ۳ مهر تماشاییست بهای بلیط ۵ - ۱۰ - ۲۰ ریال

آخرین دفاع آقای مختار

در دادگاه
مقدمه

بلافاصله و باست محترم دادگاه آخرین دفاعات خود را شروع میکنم و اجازت میفرمایم مقدمه مختصری که بهم مربوط به دفاعات شده است عرض کنم.

ایشان اغلب از مدیران محترم جرائد چون مشته خنده الله را جمیع به ملک همانند و فروش خانه شیران بنده مطالبی درج میفرمایند که لازم میدانم دفع اشتباه بنمایم برای اینکه حیف است قلم خریف خود را در دامن بعضی از اشخاص خریف اشتباه آورده شود بنده در محاربه ملکی ندارم و بلک باغ موروثی داشتم که تقریباً پنج سال قبل به هوشیرو خود واگذار کردم خانه شیران را هم بطوری که قبل عرض کرده ام آقای پوروز وکیل محترم اشتباه گرفته اند چهل و نه هزار تومان فروخته ام پنجاه و پنج هزار تومان بفروش رسانیدم چون بفروش بدم و لازم بود در این موقع عرض خود را بدم.

و برای اینکه معلوم شود خانه شیران را از چه محل ساختن نموده بودم توضیحاتی به عرض دادگاه میفرمایم بنده چند سال قبل بفروش شدم و خانه موروثی را که در حدود ۳۰۰ متر است فروختم و یکی از اخوان خواست به بنده کسکی کرده باشد در حدود ۲۵۰۰ متر از زمین که نزدیک اینستگاه راه آهن داشته به بنده بدون ثبت و گذار نمودن من هم به از یکسال یا بیشتر آن زمین را بفروش رسانیدم که یکی از مدیران محترم جرائد هم از ایشان فروش آن کاملاً اطلاع دارد. از فروش آن زمین خانه موروثی شود و بعداً خریدم و قدری هم قرض داشتم داده و بقیه را تقریباً در حدود ۳۰۰۰ متر زمین که قطعات مختلف بود از متری ۱۰ الی ۱۶ ریال خریداری کردم و شروع به ساختن نمودم و چون برای ساختن بفروش شدم خانه موروثی را با ساختن شیران مطابق استاندارد رسمی گردانیدم و فروش خود را بنده نمودم و بالاخره اخیراً خانه شیران را فروخته فروشی خود را بنده نمودم و بقیه وجه آن که باقی مانده بود پیش بینی کرده بود کسی گذاشته ام که در وقت مصرف آن ثبت کنترل شیرینی است که هر وقت بخواهند بصلب آب و سدی کنند روشن است.

و هر موقع مدیران محترم جرائد یا مدیران محترمشان مطالب داشته ممکن است به خود بنده مراجعه فرمایند تا توضیحات لازم بدم و باز هم عرض میکنم حیف است اشتباه بعضی از مدیران محترم جرائد قلم خریف خود و دامن اشخاص را آورده فرمایند.

اما راجع به حق الوکاله آقایان و کلای محترم بنده و داور از این آقایان لطفاً بطور مجانی قبول و کالت فرموده اند. یکی آقای دکتر آقایان است که خودشان در پیشگاه دادگاه گفته و دیگری آقای کسروی میباشند آقای کسروی هم بابت علت مجانی قبول و کالت بنده را فرموده اند چون چند روز قبل از تشکیل دادگاه بنده از ایشان استعفا کردم قبول و کالت مرا بکنند گفتند چون وقت برای خواندن تمام پرونده های انجمنی هست من نمیتوانم از تمام اتهامات شما دفاع کنم و چون وکیل تسخیری یکی از منتهین حسن فقط یک پرونده را خوانده ام و ممکن است از شما دفاع کنم. بنده از ایشان استعفا کردم هرگز از پرونده ها اطلاع دارم و با اطلاع پیدا میکنند مدافعه کنند بانجهت مجانی قبول و کالت فرموده اند و از ایشان تشکر میکنم.

راجع به حق الوکاله سایر آقایان و کلای محترم من از مذاکرات لطفاً مبلغ محضری و ادعای نظر گرفته که با اظهار تشکر بپردازم چطور دفع خیالت بکنم و لازم میدانم حجت محترم دادگاه و مستظهر بنام که دستمالی نمی گذارند مطالبی که در دادگاه عرض میکنم تمام آنرا درج فرمایند و در صورتی که قط آنچه که آقای دادستان و کلای مدعیان خصوصی و مدعیان خصوصی بن ثبت داده اند جواب بگیرم و متصرف فی حق معلوم نیست چرا در کشور دموکراسی از درج مدافعات بکنم منته در دادگاه محترم جلوگیری میشود.

این آقایان اختیاری من کنند زیرا مقررات من موکول بنظر هیئت محترم دادگاه میباشد و آقایان قضات باید برای من بنده توجه فرمایند و آیا حق سامه ریاست محترم دادگاه و آقایان قضات را هم میتوانم ممنوع کنند؟ پس از این مقدمه شروع بدفاع میکنم و چون در آخرین جلسات دادگاه خواسته آخرین

ترجمه آقای سید نصرالله سروش

گفتار پرفسور فوکس انگلیسی

با شگفتیهای آفرینش

فصل هشتم

حیواناتی که راه خانه خود را می دانند

دلا آزمایش های در باب پرندگان که بکمان خود بر می گردند شرح میدهم که حایث آن هم مشخص است.

چند سال قبل در (برمن) آلمان هفت چایله را از حوالی لانه شان گرفت برای سینه شان را رنگ و نشان کردند که با سالی دردم میشد. سپس آنها را با هواپیما به (کرایمن) نزدیک لندن که در چهار صد میل فاصله از (برمن) می باشد برده رهاشان کردند. پنج ای آنها باز به خود (برمن) باز گشتند.

آیا چگونه این پرندگان راه مسافت طولانی را که قبل از این پیدا کرده بودند پیدا کردند حایث نیست بگویم چایله و سگ «حس چایله شانس» دارند یا اینکه مراجعت آنها محل اولی از تجربه است. این الفانی که ما را خلع نمیکند.

میخواهم بطور غیرمعمول و صریح بگویم حیوانات دارای چه حس هستند که آن را برای پیدا کردن راه بکار میبرند.

آیا چطور میدانند باید کدام طرف بروند تا آثار و علامات مانوس بیابند. متأسفانه تاکنون برای حل این مسئله آزمایش عملی نشده است.

میتوان گفت حیوانات پرورشی این قبیل حیواناتند. چایله در راه لو (مردانه شهر یور) انگلستان را ترک میکنند و تمام زمستان را در افریقا بسر میبرند و تابستان برای ساختن لانه بر میگردد. پرندگان دیگری هم هستند مانند پیل که در آخر تابستان جنوب انگلستان مهاجرت میکنند. پر حلقه های کوچک آلومینیم نشانی و شماره کنند حلقه ها را در یک پای چایله هائیکه از انگلستان مهاجرت میکنند ندونه. تا چهارده تا از این چایله هائیکه نشان داده اند در جنوب افریقا دیده شده فاصله بین انگلستان و جنوب افریقا قریب شش هزار میل است.

درمده شده است چایله در بوار بهمان خانه یک سال پیش در آن آشیانه داشته است برگشته و ساختن لانه تازه پرفاخته است.

چگونه این پرندگان راه مسافت طولانی را پیدا میکنند؟ پدر و مادر این پرندگان چین راهی را بچه خود یاد میدهند زیرا اغلب پدر و مادر قبل از بچه های خود میرند میکنند. پیل قبل از اینکه بچه اش توانایی پرواز پیدا کند از انگلستان میرود.

تاکنون راه حلی برای این مسئله که چگونه حیوانات راه را می یابند پیدا نکرده ام مخصوصاً که اغلب آنها در شب که تاریکی است پرواز میکنند. پرندگان هم هستند که در شب پرواز می کنند مهاجران از بالای آب دریا پرواز میکنند.

پرواز که از پرندگان که پرواز لب جوینا است و در کالدا لایه میگرد در اواخر تابستان جنوب آمریکا میرند. این مسافت ۲۵۰۰ میل دوری دریا است که این حیوان بدون اینکه به راه جانی است که می یابند. اسقاط و بریداری این پرندگان در چین پرواز طولانی غالب توجه است و حلاست و اثری هم بر روی آن نیست که او را هدایت کند.

بنا بنظر بعضی اشخاص پرندگان راه را از قطب شمال قطب جنوب کشیده شده حس نموده از آن برای پیدا کردن راه استفاده میکنند اما کیه آزماهایی که تا کنون برای کشف اثری از قوه مغناطیسی در حیوانات پیدا نکرده است به نتیجه منتهی نگشوده است. از یکطرف چایله موضوع مهاجرت از نقطه نظریست شامی مرموز باشد حیرت خیز تمام از قابل توجه میباشد تا قبل از وقوع جنگ ساخر دولتستان نظامی در این خصوص ادامه داشت.

رای آزمایش حس چایله شامی آن روزی را بر پرندگان متصل کردند ولی اقدامات و آزمایشها بواسطه وقوع جنگ متوقف گردیده به نتیجه نرسید.

طریقه تبلیغی را با حضور «مقام آنا» و «بیانات» مشارالیه به بنده وارد آوردند و سره تمامانی ایجاد کنند اجازه میفرمایم توضیح مختصر این خانم و شوهرش را موسوم به «آنا بیک» و علت تنب و تنبیه او و شوهرش را قبلاً عرض دادگاه برسانم.

موسی که بنده وکیل شهرهای خودستان و بنادر جنوب بودم «آنا بیک» شوهر این خانم که تبه خانچه بود شغل رسمی در هواول داشت بعد از آنکه بنده برای مسافرت شهرهای تهران حاضر شدم تقریباً پس از دو سال روزی سرانگر آرم که از وقت وکیل کل شهرانی بود بنده را بداره آگاهی احضار نمود و درازنق دلی آگاهی «آنا بیک» را با لباسی که وضعت بدی داشت دیدم و ترغبات مدولی بمل آمده. پس از چند روز «آرم» بن گفت.

«آنا بیک» از خدمت دولت متوجه خود مدتی است کناره گیری نموده و میخواهد برای ما کار کند بنده در جواب گفتم کسی که بکشور خود حیات کند تصور نمیکنم بصیبت و حدائق او بتوان اطمینان بود پس از مدتی مذاکره آرم با نظر من موافقت نکرد و بالاخره بعد از چند روز او را بخدمت بدررفت و تا زمانی که آرم وکیل شهرانی بود آنا بیک که بنام «ایران دوست» برخلاف مقررات ثابت شناسنامه گرفته بود مشغول کار شد.

و بطوری مشارالیه نظراتی میداد که همه او را می شناسند که از کارکنان شهرانی است نیز هم میباشند که در خدمت کسی برای اینکه بطولین مختلفه اسباب خدمت مهاجرین با شناخت و فراهم میکرد و از آنها برای خود و آرم پولی گرفت دارای سرمایه زیادی شد که پیشینه مشارالیه در شهرانی موجود است. بعد از آنکه بنده یکسال شهرانی منصوب شده «ایران دوست» دروغ گفتم دیگر احتیاجی بوجود او نیست برلی اداره سیاسی هم گفتم با بگوید مواظب باشد تعطف و نظمی نکند. حسنا چون بدستور آرم همه ای از مهاجرین

چون مقدور شد «آنا بیک» لازم بود در عرض برسد و بطوریکه حسن با زوجی توضیح داده ام حریان برش رسید و بالاخره (آنا) باز داشت و به او یک تپیه گردید زیرا مشارالیه با اینکه طبق نام های «آنا بیک» شوهر او که معلوم شد بود از کشور ایران خارج شده است حاضر نیفتد اردو هر خود برو و خضنا هم معلوم شد «آنا بیک» در بیروت است پس از آنکه کابل زند بازداشت امور خارج معاف گردید (ایران دوست) دروغی بود بیروت شروع حملات سیاسی نمود و شهرانی آنا او را دستگیر زندانی نموده است و کسی مختار آنا میا لیس راه و مخصوص زندانیان و با خیال از زندانیان (زندان بیروت) از وزارت خارجه شهرانی ارسال کردید که در پرونده اداری او موجود است. این مقام «آنا بیک» و با (ایران دوست) که خود را در حضور دادگاه محترم خلی محسوب متعصب جان داده و شوهر خود را بیکه معرفی نمود برای اینکه از ایران خارج نشود زاشو را (آنا بیک) که با مکر و اظهار داشت که بطور غیر مشروع (آنا بیک) زندگانی میکرد است.

آگاهی اختصاصی

چون تعدیه حدود ششدهک یکقطعه زمین بساحت ۱۶۱۸۷ متر مربع جوه پلاک ۱۶۶۳ بخش ۲ مورد خریداری آقای بهشتیار بهشتیاری بمل یافته است و از طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم اینتران عمل نمود. لایحه حسب تقاضای کتبی ایشان عداوت تعدیه در روز ۲۱ و ۲۲ ساعت قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بمل خواهد آمد.

بین وسیله بیاتک و سجاورین آگاهی میشود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند. تاریخ انتشار ۲۹ و ۲۸ شماره ۱۰۲۶ رئیس بخش شمال ثبت املاک تهران

آگاهی حصر وراثت

بنابر مضمون سند شماره ۱۲۲۰ آقای عیسی اصاری سوکالت از طرف آقای غلام رخاوریسی بنا طبق تقاضا نامه ۱۰۳۶ ساله ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ بنده برش نامه و رونوشت مصدق شمس نامه تقاضای تصدیق حصر وراثت نموده بدین توضیح که استاد رحیم (گل محمدان) فرزند مرحوم غلام رضا محسن - باقر - حسین - غلام علی - صلاقی - غلام ملی - سران و خانم های ایران - هسست - وقت و فامیه دختران و بانو محسومه زوجة متوفی وزارت متعصرت میباشند لذا مراتب در مدت سه ماه مامی بکسر بنده در محله رسمی و زوالت داد گشتری و یکی از روز نامه های مرکز باطلاع میرساند چنانچه کسی نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی دارد در مدت مقرر مقدم والا پس از اقصاء موعده گواهی نامه صادر خواهد شد و نیز دوسو ویکه وصیت نامه از متوفی نزد کسی موجود و تا این تاریخ رسا ابراز و افتتاح شده در همان مدت بداد گاه تسلیم نماید و بعد از گذشت مدت مقرر هر وصیت نامه رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. داد رس شبهه پک دادگاه بخش تهران - اکبر دانا سرشت ش - ۲۲۷

آگاهی تجدید تحدید حدود

چون تعدیه حدود ششدهک یکقطعه پلاک شماره ۲۶۹۸۲ بخش دو هواول واقع در خیابان جیشدی که آقای اسکندر مکرون تقاضای ثبت کرده و بنده به حاج میر حیدر سماری انتقال یافته در روز مقرر بواسطه عدم حضور مقامی بمل یافته لذا طبق ماده ۱۵ قانون ثبت آگاهی میشود که تعدیه حدود پلاک مزبور در روز سبت و ششم مهرماه ۱۳۲۱ چهار ساعت قبل از ظهر در محل بمل خواهد آمد. ش - ۲۲۵ رئیس ثبت استان ششم - شاپوری

آگاهی حراج

شماره کلاسان ۱۷-۸۳۲ شماره حساب ۱۷۰۵ ششدهک یکقطعه کان پلاک شماره ۷۸ واقع در قصبه فیروز کوه ملکی آقای اسدالله سعیدی که به ثبت رسیده و در اجاره رسمی نیست در قیال مبلغ ۲۵۰۰ ریال بین معامله و مبلغ ۵۸۰ ریال اجاره برای زمین مدت و ۹۵۰ ریال خسارت دایر برداشت و ۱۰۰۰ ریال هزینه حراج و ۲۸۳۰۰ ریال بقیه نیم عشر که در نیمه ۱۳۲۰ ریال میباشد در روز هفتم ماه مهر سال ۱۳۲۱ ساعت قبل از ظهر در دفتر خانه رسمی شماره در فیروز کوه بنزایده گذارده میشود و حراج از پهل ۱۳۲۰ ریال شروع خواهد شد مالیت حراج نسبت بازاء طلب طلبکار بقیه خریداری است طالبین میتوانند در روز وساعت نامبرده در جلسه حراج حاضر شده و در خرید شرکت نمایند این آگاهی ظرف ۲۰ روز در سه نوبت منتشر خواهد شد. تاریخ انتشار آگاهی نوبت دوم ۲۹ شهریور ماه ۱۳۲۱ ش - ۹۶۵ رئیس اجرای ثبت ملری - فیروزان

آگاهی مزایده

تصف مشاع از ششدهک یکقطعه پلاک شماره ۱۷۲۴ بخش سه آبادان ملکی بانو گل خانم تقاضای کفالتی نیست شده در اجاره هم ثبت مغریال طلب آقای رضا بنیم یوزانیانی بمل بکسار و ریال اصل بین معامله و ششده ریال مال الاجاره عقب افتاده و پنجده ریال خسارت دایر گردید و یکده ریال مزایده و مالیت حراج و پنجده و عش ریال و بنزایده دایر ۱۵ دیوانی که جمیع بالغ بر یکده هزار و دویست و ششده و عش ریال و بنزایده دایر میشود در روز هفتم مهر ماه ۱۳۲۱ ساعت سه قبل از ظهر در شبه اجرای ثبت آبادان بنزایده گذارده میشود (مالیت حراج نسبت بازاء طلب طلبکار بقیه خریداری است) طالبین میتوانند در روز وساعت نامبرده در جایگاه تعیین شده حضور بهم رسانند و در خرید شرکت نمایند این آگاهی ظرف ۲۰ روز در سه نوبت منتشر میشود تاریخ انتشار آگاهی نوبت دوم ۲۹ شهریور ماه ۱۳۲۱ ش - ۹۶۵ رئیس ثبت آبادان و خرمشهر - روح الله کیا

فرآورده های نفتی ممتاز زیر برای رفع نیاز

عموم در شعبه های شرکت نفت انگلیس و ایران

بفروش میرسد: بنزین سوخت و لکه گیری

نفت چراغ و نفت گاز

روغن برای موتور - ماشین - دنده و چرخ

های تراش - گریس برای یاتاقان های معمولی و

اس کا اف

امشی - پارافین و وازلین

شماره ۹۱۳

کریه که در پرونده اداری او موجود است.

این مقام «آنا بیک» و با (ایران دوست) که خود را در حضور دادگاه محترم خلی محسوب متعصب جان داده و شوهر خود را بیکه معرفی نمود برای اینکه از ایران خارج نشود زاشو را (آنا بیک) که با مکر و اظهار داشت که بطور غیر مشروع (آنا بیک) زندگانی میکرد است.

در بیروت است پس از آنکه کابل زند بازداشت امور خارج معاف گردید (ایران دوست) دروغی بود بیروت شروع حملات سیاسی نمود و شهرانی آنا او را دستگیر زندانی نموده است و کسی مختار آنا میا لیس راه و مخصوص زندانیان و با خیال از زندانیان (زندان بیروت) از وزارت خارجه شهرانی ارسال کردید که در پرونده اداری او موجود است. این مقام «آنا بیک» و با (ایران دوست) که خود را در حضور دادگاه محترم خلی محسوب متعصب جان داده و شوهر خود را بیکه معرفی نمود برای اینکه از ایران خارج نشود زاشو را (آنا بیک) که با مکر و اظهار داشت که بطور غیر مشروع (آنا بیک) زندگانی میکرد است.

از خیابان یوزو جهری بول خیابان یوزو جهری

چشم منان سیه متعلق گردیده است.

چاپخانه تابان تهران

برچشم

دائرة و نویسنده کمروی تبریزی

در باره

چند روز پیش در پرچم گناری خواهم در آن زمین سیکرت گنار های اگر ایرانیان نود ای بودند هیچ گناری بیایده ای کرده ام. مگر دور بافت می شد و با آن ریخت «باجای» و گردیدش فراموش شده اند. مگر امروز دارم. واسی و باید گفت این مردم چ دارند و نیفتند.

من می پرسم. آیا درویشان که کنند. یا مال بازی. یا حلقه بازی. یا می شرم و آرزو آدمی را از میان می برد. پس شاهها و قطعی شاهها از میدان در نیروته. چند روز پیش در میدان توپخانه ستانی در لوزو سربازان سوار گردید. دانستم است. و البته. ظرفیت. از دیدن متانز رفت بود.

اتوبوس راه افتاد و چون از جاب چون شوت بفرویش رسید با یکفیره چشمی اتوبوس که آغاه نیست بولدر آرم. این را که خود دشمنی در آورده و بول داده. ولی میسر و کره در هیچ جا از من بول نیگیرند. این سپیدان شاپور رسید و درویش میخواست. باز درویش بروی او خیره شده با یک چشمی تا کنون کسی نگردد. این را که گفت و بی سالیان و پنج برده. و بافت کشیده. جهاد که شلی خوانده. چه با سیر داده. و فداست پیرو بول نقد و هیچ نیفتد که برای چه ۱۲.

من تا سالیان دراز این را باور مرده است که درویشان این کار را میکنند. هر خاسته است. ولی در شکست بودم که چرا من در سالیان دراز. ولی سپس چون کتابم میگرداندم و این را بگریه میزد. و بافت گروه دوایت ام هر چه بیشتر نمودار شده و باین را از کتاب «اسرار التوحید فی مقام یک زبان ساده نوشته شده در این رشته که از زبان شیخ اوسیمه داستان

مشغول شدم که هیچ صفت تر از این اندام مدنی بر آمد کثر نبشت تا بدانگی باز آمده که پیش از این نمی داندم تا چنان شد که این نی شد مادستارگی بر مرداشتم در راه ایست کردم پس آید پس پته. پدر ما را روزی آخر این را چه گویند گنیم این را تومندان خواندگان این داستان را یک گدایی کرده و سپس چون از گدایی چیزی فروخته. و آخر و ابراهیم که اش را فروخته. می گوید و بقوه میباید.

این کتاب اسرار التوحید خواندن هر کرده که بنده سال با غنا داری گذار او بوده اند و او با درخواست و اناس و ت میباشند. بلکه گاهی کار بیکه ای رسمی بکشته باید بدرویشان طمعی بدی. میگوید لایم. هر این رفادت بر می بردم. و تقاضای می بردم. بلکه بالاتر از ایشان میباشند و وسعت همه مرشد است. آن کتاب را بقولایت تا اسرار حویلی

بمنظور نامین بذر پائیزه از

دیر افتاد گردیده که برای اطلاع

۱ - کسری بزرگست های

جوی که قرار است از حراق خریداری شود

۲ - مالکین فراخی که کسر بنی

را سپرده اند پدر مورد احتیاج را خریداری

۳ - نسبت با ملاک خانه که در

پس از خریداران است که باید در واس

برای یکسال مهلت بخواهد و سند رسمی ببع

۴ - هرگاه پدر ملکی بدهد

فرا از مالکیتی که تمید مازاد خود را سپرده

۵ - برابا و کشاورزانی که بر

کشاورزی و پیشه و هنر تا میزان ۲۵۰۰ ر

۶ - بطور کلی کسر بنی هر ا

نامین شود و در صورتیکه حقیقتا تپه یلو در

دادلی - کشاورزی گواهی شود کسر بنی

وزارت دارایی - وزارت ک

نظرات هسته

شماره ۱۰۲۶